

یک نفر به اسم مهدی عاطف‌راد خواست این شعر من را نقد کند و چون معنای کلمه مضرب (که بچه‌های کلاس دوم دبستان معنای این کلمه را می‌دانند) را نمی‌دانست! با چسباندن سطرهای این شعر به یکدیگر درباره معنای مضرب ۴ در این شعر دچار کج‌فهمی شد! و نتوانست بفهمد که منظور من از مضرب ۴ این معما سطرهای ۴، ۸، ۱۲، ۱۶ و ۲۰ در این شعر است. از آدم خنگ بیشتر از این انتظار نمی‌رود!

من این شعر را از زبان آن دسته از عاشقان نوشتم که به جای گفتن این مورد که عاشق‌اند به معشوق خود می‌گویند: «من یعنی ... من پس این ... یا هر چه تو می‌خواهی ... یا هر چه تو می‌گویی ... یا هر چه تو تغییر می‌کنی...» نوشتن این شعر دو حسن داشته: یک حسن آن این است که تا به حال هیچ شاعری برای عاشقان واقعی که خودشان را در معشوق می‌بینند چنین شعری ننوشته بود و حسن دیگرش این است که واقعا درجه خنگ بودن مهدی عاطف‌راد مشخص شد!

## معما

(برگرفته از کتابم هرم که در سال ۱۳۸۴ در تهران چاپ شد)

من یعنی

من پس این

من سربه زیر عشق

یا هرچه تو می‌خواهی

من در پی حل این معما

من عاشق و درگیر سرنوشت

من با نگاه ساخته در شعر بی‌کران

یا هرچه تو می‌گویی

من تو

من با تو

من بی‌تو

یا هرچه تو تعبیر می کنی

من بی خود این من

من با خود این خودها

من اصلا یک خود بی خود

یا هر سه سطر مضرب ۴ این معما

من یعنی

من پس نگاه منعکس از دو سطر قبلی

یا جمع این همه سطر با "یا"

یا جمع این همه سطر بایا

هرم- ترانه جوانبخت- انتشارات آروین- چاپ اول- تابستان ۱۳۸۴ - تهران